

# آزاد سازي تجارت برنج و فقر

تهيه کنندگان:

شهاخان احمدي

علي فرهادي

به نام خدا



انتقال از منافع بالقوه به بالفعل :

موانع.....

۱۷.....

## آزاد سازی تجارت برنج و فقر

### پیشگفتار

برنج یکی از گیاهانی است که از زمان های بسیار قدیم در دنیا کشت می شود. هزاران سال پیش، وقتی مردم در کنار رودخانه ها و دلتاهای شرق و جنوب آسیا اقامت گزیدند به بومی کردن برنج وحشی اقدام نمودند. بهره وری محصول برنج در زمینهای مرطوب به رشد جمعیت، توسعه جوامع و تمدن منجر گردید. این محصول نقش مهمی در تغذیه، درآمد و اشتغال مردمان جهان و کشور ایران دارد. به طوریکه ماده غذایی اصلی ۷۰ درصد از جمعیت جهان بوده و بیش از ۲۰ درصد کالری مصرفی جهان را تامین می کند. بسیاری از کشورهای جهان اعم از فقیر و غنی و سطوح در آمدی متفاوت، تولید کننده و مصرف کننده این محصول می باشند. که در بین آنها حدود ۳۳ کشور وجود دارد که برنج غذای اصلی آنها را تامین می نماید.

حدود ۹۰ درصد برنج جهان در آسیا تولید و مصرف می شود. همچنین ۵۰ درصد واردات و ۷۲ درصد صادرات برنج به کشورهای آسیا تعلق دارد. اگرچه بازار جهانی برنج طی سالهای گذشته به ویژه در دهه ۱۹۹۰ به طور چشمگیری توسعه یافته است با این حال هنوز بازار جهانی برنج با مشخصه هایی نظیر کوچکی، بی ثباتی و ناهمگنی همراه است. با وجود اینکه حجم تولید و مصرف برنج بسیار بالاست و لیکن در حال حاضر فقط ۴-۶ درصد تولید جهانی این محصول مورد داد و ستد قرار می گیرد. در حالیکه نسبت تجارت به تولید جهانی در مورد ذرت، گندم و سویا به ترتیب ۱۳ درصد، ۱۸ درصد، و ۲۵ درصد گزارش شده است.

اگرچه موافقت نامه دور اروگوئه سازمان تجارت جهانی و سایر موافقتنامه ها نظیر NAFTA و MERCOSUR از سال ۱۹۹۴ به بعد موجب افزایش تجارت جهانی برنج شده ولی حمایت بسیار بالا از

برنج همچنان در کشورهای مختلف ادامه دارد و این محصول با استفاده از سیاست‌هایی نظیر قیمت‌های حمایتی، مالیات بر واردات، عوارض و تعرفه‌های وارداتی، یارانه‌های صادراتی و خرید و ذخیره‌سازی دولتی، یارانه‌های نهادی، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای مورد حمایت دولتهای مختلف می‌باشد. دولتهای این کشورها بنا به دلایل متفاوت نظیر تضمین امنیت غذایی، تثبیت قیمت و... در بازار برنج دخالت کرده و تولیدکننده‌های خود را مورد حمایت قرار می‌دهند که این دخالتها بر روی بازار جهانی این محصول و رفاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برنج در کشورهای صادرکننده و واردکننده تأثیری گذارد. از آنجاکه ایران، هم تولیدکننده این محصول و هم یکی از واردکنندگان آن می‌باشد، لذا گزارش حاضر که ترجمه مقاله ویژه **RICE TRADE LIBERALIZATION AND POVERTY** از هفته‌نامه سیاسی و اقتصادی (دسامبر ۲۰۰۲) می‌باشد تهیه گردیده است. با این امید که در تصمیم‌گیریهای سیاستی مورد استفاده سیاستگذاران بخش قرار گیرد.

در این گزارش ارتباط بین آزادسازی تجارت برنج و فقر که از اهمیت خاصی برخوردار است مورد بررسی قرار گرفته و به دنبال یافتن پاسخ به دو سؤال اساسی زیر می‌باشد: آزادسازی تجارت برنج چه تأثیری در الگوهای جریان تجاری برنج خواهد داشت؟ چگونه آزادسازی تجارت برنج و تعدیل مداوم قیمت برنج توسط کشورهای مختلف رواج فقر در کشورهای با اقتصاد فقیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ برای پاسخ به سؤالات مذکور، گزارش حاضر بر کشورهای آسیایی تأکید بیشتری نموده است.

## مقدمه

از زمان اجرای موافقتنامه کشاورزی دور اروگوئه (URAA) در سال ۱۹۹۵ که سر آغاز آزادسازی تجارت در بخش کشاورزی بود، نگرانی‌های زیادی در رابطه با تاثیر آزادسازی بر فقر در کشورهای در حال توسعه به وجود آمد. این نگرانی در مورد محصول برنج (که غذای اصلی ۷۰ درصد از جمعیت فقیر دنیا می باشد و اغلب در آسیا زندگی می کنند) بیشتر بود. کشورهای آسیایی به تنهایی بیش از ۹۰ درصد تولید جهانی برنج (۳۹۷ میلیون تن در سال ۲۰۰۱) را به عهده دارند که عمدتاً در خود این کشورها مصرف می شود. بنا بر این آزادسازی تجارت برنج می تواند تاثیر چشمگیری بر فقر داشته باشد.

گزارش حاضر ارتباط بین آزادسازی تجارت برنج و فقر را مورد بررسی قرار داده و به دنبال یافتن پاسخ به دو سؤال اساسی زیر است: اثر آزادسازی تجارت برنج بر الگوهای جریان تجارت آن چگونه خواهد بود؟ آزادسازی تجارت برنج و تعدیل مداوم قیمت‌ها توسط کشورهای مختلف چگونه موجب رواج فقر در کشورهای با اقتصاد ضعیف خواهد شد؟ این گزارش در شش قسمت تنظیم شده است. بخش دوم گزارش، ویژگیهای بازار برنج را مورد بررسی قرار می دهد. بخش سوم، سیاست‌هایی را که بر بخش برنج کشورهای مختلف تاثیرگذار هستند به طور خلاصه توضیح می دهد. بخش چهارم، قدرت و میزان رقابت پذیری کشورهای عمده دخیل در تجارت برنج را مشخص می سازد. بر اساس رقابت پذیری

نسبی کشورهای مختلف، پیش‌بینی تغییر در الگوهای تجاری که آزادسازی مستلزم آنها می‌باشد پیشنهاد و عرضه می‌گردد. بخش پنجم در صدد اندازه‌گیری تاثیر آزادسازی بر فقر با استفاده از ادبیات موجود در این زمینه می‌باشد. بخش ششم مشخص می‌نماید که چگونه کشورهای فقیر می‌توانند بیشترین بهره مندی را از فرصت پیش آمده یعنی تجارت آزاد برنج داشته باشند.

### ویژگیهای بازار جهانی برنج

بازار جهانی برنج طی سال‌های گذشته به ویژه در دهه ۱۹۹۰ به طور چشمگیری توسعه یافته است به طوری که در سال‌های اخیر به طور متوسط سالیانه بالغ بر ۲۴ میلیون تن برنج (یعنی دو برابر سال ۱۹۹۰) مورد داد و ستد قرار می‌گیرد. با این حال، هنوز بازار جهانی برنج با مشخصه‌هایی نظیر کوچکی<sup>۱</sup>، بی‌ثباتی (ناپایداری)<sup>۲</sup> و ناهمگنی<sup>۳</sup> همراه است. علی‌رغم حجم فزاینده تجارت برنج، این میزان تجارت فقط ۴/۵ درصد از تولید برنج در سال‌های ۱۹۶۱-۲۰۰۰ را شامل می‌شود. این در حالی است که حجم تجارت جهانی گندم از تولید آن ۱۸ درصد و در مورد ذرت ۱۳/۶ درصد بوده است. یکی از دلایل این امر آن است که مقدار زیادی از برنج تولیدی در جهان، توسط خود تولیدکنندگان به مصرف می‌رسد. دلیل دیگر آن ویژگی سیاست‌هایی است که کشورهای مختلف در مورد برنج اتخاذ می‌نمایند.

---

<sup>۱</sup> - Thinness

<sup>۲</sup> - Volatility

<sup>۳</sup> - Segmentation

علاوه بر این، بازار جهانی برنج یک بازار متمرکز<sup>۱</sup> است. بدین معنی که طی دهه ۱۹۹۰، حدود ۸۰ درصد از صادرات برنج مربوط به شش کشور - تایلند، ویتنام، هندوستان، چین، پاکستان و ایالات متحده - بوده است. طرف واردات این محصول نسبتاً تعداد رقبای بیشتری دارد. ولی در بین این رقبای، تعداد کشورهای واردکننده عمده اندک و تعداد واردکنندگان جزئی زیاد است. طی سالهای گذشته از بین کشورهای واردکننده عمده در آسیا، میتوان از اندونزی، فیلیپین، بنگلادش، مالزی و آسیای شرقی (ژاپن و کره) و آسیای غربی نام برد.

کوچک و متمرکز بودن بازارهای جهانی برنج بدین معنی است که تغییرات در میزان تولید یا مصرف کشورهای که تجار عمده برنج هستند تاثیر بسیار زیادی بر قیمت جهانی این محصول دارد.

بی ثباتی (ناپایداری) هم که یکی از ویژگیهای بازار جهانی برنج میباشد ناشی از تغییرات مداوم منابع عرضه و تقاضای این محصول می باشد.

و بالاخره بازار جهانی برنج ناهمگن میباشد. بدین معنی که از نظر نوع و کیفیت از تنوع بسیار زیادی برخوردار است. بنا بر این جریان تجارت توسط میزان تقاضا برای واریته‌های مختلف برنج و توان کشورها در عرضه آنها، تعیین میشود. به عنوان مثال، در حالی که تقاضای کشورهای آسیای شرقی برای برنج Japonica توسط کشورهای ایالات متحده، استرالیا و چین تامین میشود، تقاضای کشورهای آفریقایی برای برنج Indica توسط

---

<sup>۱</sup> - Concentrated

کشورهای هندوستان و تایلند برآورده می‌گردد. از طرف دیگر کشورهای اروپایی دانه‌های مورد مصرف با کیفیت بالاتر را از آسیای جنوبی و برنج Indica را از ایالات متحده وارد می‌نمایند. به همین ترتیب واردات آسیای غربی در درجه اول برنج Basmati از آسیای جنوبی می‌باشد و عمده ترین واردات آمریکای جنوبی مربوط به شلتوکی است که توسط آمریکا تولید می‌شود (این بیشتر به دلیل مزیت مکانی می‌باشد).

برنج Indica بخش عظیمی (۷۵ الی ۸۰ درصد) از تجارت جهانی برنج را شامل می‌شود. برنج‌های Japonica (۱۰ تا ۱۲ درصد) و برنج‌های معطر نظیر Basmati و Jasmin (حدود ۱۰ درصد) و برنج Glutinos در رتبه‌های بعدی قرار دارند. نکته قابل ذکر این است که امکان جایگزینی بین واریته‌های مختلف برنج چه در تولید و چه در مصرف محدود است.

اگر چه سه ویژگی بازار جهانی یعنی کوچکی، ناپایداری و ناهمگنی مباحث زیادی را در آزادسازی برنج مطرح می‌کند ولی شاید بتوان گفت که مهمترین ویژگی بازار برنج این است که در بین غلات تحریف شده‌ترین بازار به واسطه کنترل‌های خارجی و داخلی بسیار شدید کشورها - چه کشورهای توسعه یافته و چه در حال توسعه - می‌باشد. در حقیقت این نوع سیاستها است که موجب کوچکی و ناپایداری بازار جهانی این محصول می‌گردد. حال باید دید که این سیاستها کدامند؟ و چطور این سیاستها رقابت پذیری نسبی کشورها را تحت تاثیر قرار می‌دهند؟

## مروري بر سياست‌هاي تجاري محصول برنج در كشورهاي

### مختلف

محصول برنج در سرتاسر دنيا مورد توجه دولتها بوده و در نتيجه با مداخله بيش از حد آنها روبرو بوده است. اين موضوع هم در مورد كشورهاي در حال توسعه و هم در مورد كشورهاي توسعه يافته صادق بوده و هر دو اين كشورها در مورد آزادسازي برنج با توجه به اهميت آن در امنيت غذايي نسبتاً محتاطانه عمل مي‌نمايند. در حقيقت در اين كشورها، برنج به عنوان يك كالاي استراتژيك محسوب مي‌شود. اما اساساً سياست‌هايي كه در اين دو گروه از كشورها (توسعه يافته و در حال توسعه) اعمال مي‌شود متفاوت مي‌باشند. يعني در حالتي كه كشورهاي توسعه يافته سعي دارند قيمت محصول برنج را بالا برده و در آمد زارع را افزايش دهند، كشورهاي در حال توسعه سعي دارند مالياتي بر توليدكننده برنج خود وضع نمايند تا از دسترسي توده مصرف كنندگان فقير به كالاهاي اساسي ارزان قيمت اطمينان حاصل نمايند.

### سياست‌هاي تجاري برنج در كشورهاي ثروتمند

كشورهاي ثروتمند بسته به اينكه صادركننده و يا واردكننده باشند تركيبي از سياست‌هاي مداخله در بازار داخلي، حمايت مرزي و يارانه‌هاي صادراتي را مورد استفاده قرار مي‌دهند.

سیاست حمایت‌های مرزی از طریق تحریم واردات، تعرفه‌های بالا و بکارگیری بنگاه‌های تجاری دولتی (STE)<sup>۱</sup> در بین کشورهای واردکننده عمده و ثروتمند از جمله ژاپن، کره و اتحادیه اروپا رایج می‌باشد. ژاپن و کره که در گذشته واردات برنج را ممنوع کرده بودند تحت ضمیمه ۵ موافقتنامه کشاورزی دور اروگوئه فراهم آوردن حداقل سهمیه دسترسی به بازار را متعهد شده‌اند. اگرچه این تعهد با افزایش قیمت برنج وارداتی توام شد ولی تا حدودی موجب گشوده شدن واردات برنج به این کشور گردید<sup>۲</sup>. همچنین علاوه بر واردات بر اساس نرخ‌های تعرفه سهمیه‌ای (TRQ)<sup>۳</sup>، واردات بالاتر از حد سهمیه نیز ممکن می‌باشد اما در عمل، هر دو کشور برای واردات بیش از حد سهمیه‌ای، از نرخ‌های بالای تعرفه استفاده می‌نمایند. این نرخ در ژاپن برای غلات (بجز گندم) ۴۹۱ درصد و در کره ۸۹ درصد برای برنج می‌باشد که در عمل از هر گونه واردات بیش از مقدار تعیین شده در سهمیه حداقل دسترسی به بازار جلوگیری می‌کنند. علاوه بر این

---

<sup>۱</sup> - State Trading Enterprise

<sup>۲</sup> - طبق ضمیمه ۵ موافقتنامه کشاورزی دور اروگوئه سهمیه ژاپن باید از ۴ درصد مصرف دوره پایه (۸۸-۱۹۸۶) به ۸ درصد تا سال ۲۰۰۰ افزایش می‌یافت (یعنی ۰/۸ درصد افزایش در سال). در سال ۱۹۹۹، ژاپن تعرفه بندی جدیدی را انتخاب نمود. بدین مفهوم که واردات بیشتر از سهمیه کنونی را مجاز اعلام نمود ولی رشد حداقل دسترسی به بازار به نصف یعنی ۰/۴ درصد مصرف دوره پایه کاهش یافت. کره نیز سیستم سهمیه بندی دیگری را ترجیح داد. طبق این سیستم، کشور کره می‌بایست حداقل سهمیه وارداتی را در طی ۵ سال اول از یک درصد به ۲ درصد مصرف دوره پایه و در ۵ سال بعدی به ۴ درصد مصرف دوره پایه می‌رسانید.

<sup>۳</sup> - Tariff Rate Quota

هر دو کشور از طریق انجام واردات توسط شرکت‌های بازرگانی دولتی (STE) واردات برنج را انحصاری نموده و تحت کنترل در می‌آورند. به طوری که آژانس غذایی ژاپن یکی از بزرگترین شرکت‌های بازرگانی دولتی واردکننده برنج در جهان است.

رژیم وارداتی اتحادیه اروپا در مورد برنج به طور موثری از آسیابان‌های برنج حمایت می‌کند. با وجود اینکه اتحادیه اروپا ملزم گردیده تا سال ۲۰۰۱-۲۰۰۰ موانع گمرکی واردات را تعرفه بندي نموده و آنها را تا ۳۶ درصد کاهش دهد و با موافقتنامه Blair house استفاده از مالیات‌های متغیر در مورد برنج وارداتی پوست گرفته شده و آسیاب شده را برای اتحادیه اروپا (در حد سقف تعیین‌شده در دور اروگوئه) امکان پذیر می‌سازد. سهمیه‌های ترجیحی اتحادیه اروپا عامل دیگری است که دسترسی به بازار آن کشور را با مشکل مواجه می‌سازد.

همچنین در بعد داخلی، کشورهای ثروتمند از طریق دخالت در بازار و پرداخت‌های مستقیم برنج‌کاران را به طور جدی حمایت می‌نمایند. در کشورهای OECD برآورد حمایت از تولیدکنندگان (PSE)<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۷-۹۹ حدود ۷۶ درصد بوده است که بالاترین میزان در بین کالاهای کشاورزی محسوب می‌شود. در ژاپن و کره ۷۰ تا ۹۰ درصد از دريافتي‌هاي کشاورزان نتیجه مداخلات دولت است. این رقم برای اتحادیه اروپا و ایالات متحده کمتر و حدود ۱۰

---

<sup>1</sup> - Producer Support Estimate (PSE)

به طور خلاصه، PSE سهم تولیدکنندگان از ارزش کل دریافتي‌هاي ناخالص را نشان می‌دهد

تا ۳۰ درصد می‌باشد. ژاپن و کره خصوصاً بر حمایت قیمتی بازار تاکید زیادی دارند به نحوی که این حمایت به ترتیب در حدود ۸۸ و ۹۶ درصد از PSE را در این کشورها طی دوره ۱۹۹۷-۹۹ تشکیل می‌داده است. در مقابل، ایالات متحده از پرداخت‌های مستقیم استفاده می‌نماید و اتحادیه اروپا نیز اخیراً نوع حمایتش را از حمایت قیمتی در بازار به سمت پرداخت‌های مستقیم تغییر داده است.

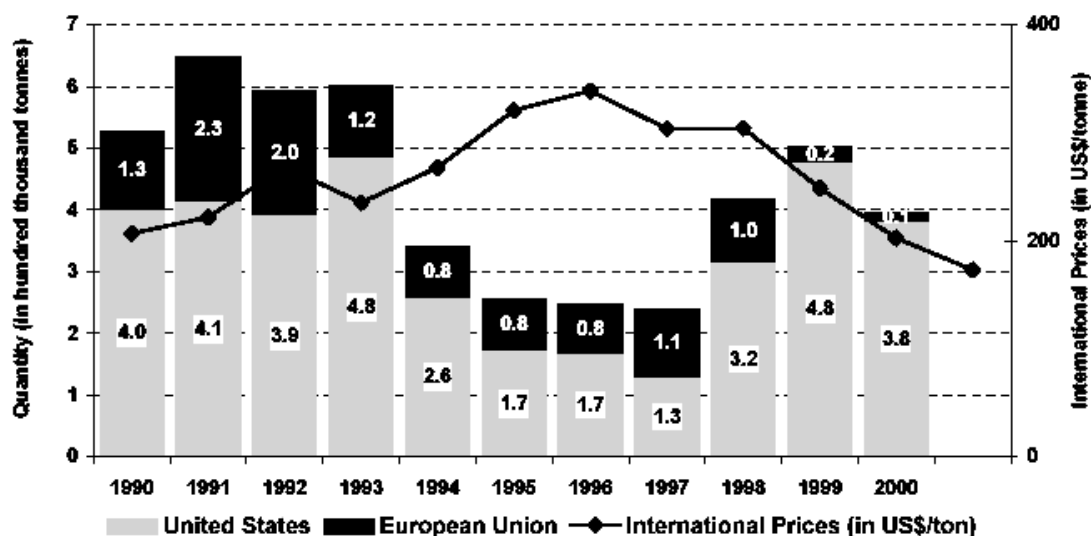
علاوه بر این، کشورهای توسعه یافته صادرکننده از یارانه‌های صادراتی جهت ایجاد انگیزه برای افزایش صادراتشان نیز استفاده می‌نمایند. اگرچه یارانه اختصاص یافته به صادرات برنج کمتر از یک درصد یارانه صادراتی بخش کشاورزی طی دوره ۹۹ - ۱۹۹۵ را تشکیل می‌دهد ولی با توجه به این که بازارهای برنج کوچک می‌باشند، این میزان یارانه نیز می‌تواند اثر قابل توجهی بر تجارت برنج داشته باشد. میزان این یارانه‌ها در اتحادیه اروپا ۹۵ درصد می‌باشد، و در آمریکا ۵ درصد است. به ط.ر کلی ۶۵ درصد از کل برنج صادراتی اتحادیه اروپا از یارانه‌های صادراتی بهره‌مند شده است. میزان این یارانه‌ها به طور متوسط به میزان ۳۲۲ دلار آمریکا به ازای هر تن طی سال‌های ۹۸-۱۹۹۵ بوده است.

از طرف دیگر، ایالات متحده شدیداً از ضمانت‌های اعتباری صادراتی برای حمایت از صادرات برنج استفاده می‌نماید. علاوه بر این هم ایالات متحده و هم اتحادیه اروپا مقادیر زیادی برنج را تحت عنوان کمک‌های غذایی راهی بازارهای جهانی می‌کنند. در دوره سه سال منتهی

به سال ۲۰۰۰، حدود ۲۲ درصد از کل صادرات برنج آمریکا از ضمانت‌های اعتباری یا امتیاز ناشی از کمک‌های غذایی استفاده نموده‌اند. موضوع جالب توجه این است که روند میزان برنج صادر شده به عنوان کمک غذایی با روند قیمت‌های جهانی نسبت عکس داشته است که این موضوع با منطق مطابقت و سازگاری نداشته و برخلاف انتظار است. زیرا منطقاً انتظار می‌رود که کشورهای واردکننده در زمانی که قیمت برنج بالا است نیاز بیشتری به کمک‌های غذایی دارند (شکل ۱).

شکل (۱): رابطه معکوس بین قیمت‌ها و کمک‌های غذایی: کمک غذایی برنج توسط ایالات متحده و اتحادیه اروپا در دهه

۱۹۹۰



نتیجه کلی این بخش حاکی از آن است که، کشورهای توسعه یافته واردکننده مانند ژاپن و کره بازارهای برنج شان را از طریق حمایت‌های بالای مرزی، مورد حمایت قرار می‌دهند و صادرکنندگانی مانند ایالات متحده و

اتحادیه اروپا به یارانه‌های صادراتی متوسل می‌شوند تا محصولاتشان را هر چه بیشتر رقابتی سازند. در نتیجه هر دو گروه سعی دارند قیمت‌های داخلی بالایی برای تولیدکنندگان خود ایجاد نمایند.

### **سیاست‌های تجاری برنج در کشورهای فقیر**

برخلاف کشورهای ثروتمند، کشورهای فقیر و در حال توسعه در جنوب و جنوب شرق آسیا با پائین نگه داشتن قیمت داخلی در حد کمتر از سه چهارم قیمت جهانی به نوعی از کشاورزان خود مالیات دریافت می‌کنند. کنترل‌های داخلی در این کشورها متعدد و متنوع می‌باشند. اگر چه هر کدام از این کشورها شکلی از سیاست‌های حمایت قیمتی را اعمال می‌نمایند ولی در گذشته این قیمت‌های حمایتی زیر قیمت‌های بین‌المللی بوده است. خرید و ذخیره سازی دولتی در اغلب این کشورها به عنوان ابزاری برای توزیع دولتی مواد غذایی (در هندوستان) و به عنوان تنظیم بازار (در ویتنام، تایلند، چین و اندونزی) انجام می‌پذیرد.

موضوع پر اهمیت تر اینکه این نوع ذخیره سازی فعالیت بازرگانان خصوصی را محدود کرده و بر آسیابان‌ها مالیات تحمیل می‌کند و در نتیجه موانع تحرك فراگیر می‌شود. به عنوان مثال، در بخشی از هندوستان میزان مالیاتی که به آسیابانان تحمیل می‌شود بالغ بر ۷۵ درصد است. تا این اواخر، این موانع تحرك در هندوستان وجود داشت. همچنین در ویتنام قبل از سال ۱۹۹۷ موانع تحرك تجارت داخلی بین شمال و جنوب مشاهده

می‌شد، زیرا تجارت بین مناطق مختلف در انحصار و کنترل دولت بود. در کشور چین بازاریابی (بازار رسانی) در انحصار دولت بوده و توسط آژانس غلات انجام می‌شود. در اندونزی نیز فقط پس از سال ۱۹۹۸ بود که اقداماتی به منظور کاهش نقش BULOG (که سازمان نیمه دولتی بود) در تجارت داخلی صورت گرفت.

اغلب کشورهای در حال توسعه صادرکننده برنج، به لحاظ امنیت غذایی صادرات این محصول را کنترل و محدود می‌نمایند. صادرات برنج معمولی از هندوستان تا سال ۱۹۹۴ تحریم شده بود. در ویتنام تا سال ۱۹۸۷ مجوز صدور برنج صادر نمی‌شد و حتی بعد از آن نیز این کشور به سهمیه‌بندی صادراتی خود تا سال ۲۰۰۱ ادامه داد. علی‌رغم تغییراتی که در سال‌های اخیر رخ داده است، هنوز دولت ویتنام نقش مهمی در تجارت برنج دارد. به طوری که در سال ۱۹۹۹ فقط ۴ درصد صادرات برنج در کشور ویتنام توسط بخش خصوصی انجام شده است. کشور تایلند نیز، که به عنوان صادرکننده سنتی برنج مطرح است، تا سال ۱۹۸۶ علاوه بر این که بر اساس سهمیه صادراتی عمل می‌نمود از مالیات صادراتی تحت عنوان حق بیمه برنج (rice premium) استفاده می‌کرد. ولی طی گذشت زمان این روش با اعطای اعتبارات یارانه‌ای صادراتی جایگزین گردید.

علی‌رغم حرکت سریع به سوی کاهش کنترل‌های تجاری، شرکت‌های تجاری دولتی هنوز در بسیاری از این کشورها بخصوص در کشورهای واردکننده نقش مهمی ایفا می‌نمایند. شرکت بازرگانی دولتی BULOG در اندونزی، به عنوان بزرگترین شرکت کشاورزی واردکننده در بین شرکت‌های

بازرگانی و ارداتی دولتی در جهان، تا سال ۱۹۹۹ کنترل انحصاری بر میزان واردات اندونزی داشته است. حتی در کشورهای صادرکننده نظیر ویتنام، هندوستان و چین واردات برنج اغلب توسط شرکت‌های تجاری دولتی انجام می‌شود و در کل، بخش خصوصی نقش بسیار کم‌رنگی در تجارت دارد. سایر کشورهای واردکننده از جمله مالزی برای حمایت از بخش برنج نسبتاً ناکارآمد خود از تعرفه‌های بالا استفاده می‌کنند. در سال‌های اخیر موافقتنامه‌های تجاری جدیدی مشاهده می‌شوند که به منظور بهبود تجارت آزاد بین کشورهای آسیایی تنظیم شده اند. به طور مثال، تحت موافقتنامه تجارت آزاد آسه‌آن (AFTA)، تمام کشورهای عضو آسه‌آن موافقت نموده‌اند که تا سال ۲۰۱۰ کلیه محدودیت‌های مقداری تجارت برنج را لغو نمایند. ولی عملاً در این کشورهای در حال توسعه، هرگونه پیشرفتی در جهت آزاد سازی بیشتر تجارت برنج به دلیل ملاحظات سیاسی - اقتصادی و اهمیت برنج در تغذیه آن کشورها با محدودیت روبرو بوده است.

بنا بر این مداخله بیش از حد دولت‌ها موجب تنوع و اختلاف شدید در سطوح قیمت برنج در کشورهای مختلف گردیده که این مساله در نهایت موجب تحریف فاحش بازار جهانی برنج و جریان تجارت آن گردیده است. در واقع باید اذعان نمود که بازار برنج به قدری تحریف شده می‌باشد که کشورها نه تنها در دستیابی به منافع حاصل از بهبود کارایی و یا بهره‌وری کمتر رقابت می‌کنند بلکه بیشتر روی سیاست‌هایی که صادراتشان را رقابتی می‌سازد، تاکید دارند. تحت چنین شرایطی سؤال اساسی این

است که با آزادسازی تجارت برنج چگونه بازارهای جهانی برنج تغییر خواهند کرد؟ و چه کسانی برندگان و بازندگان این آزادسازی و تغییرات خواهند بود؟

## آزادسازی تجارت برنج: جریان تجارت به کدام سمت خواهد

بود؟

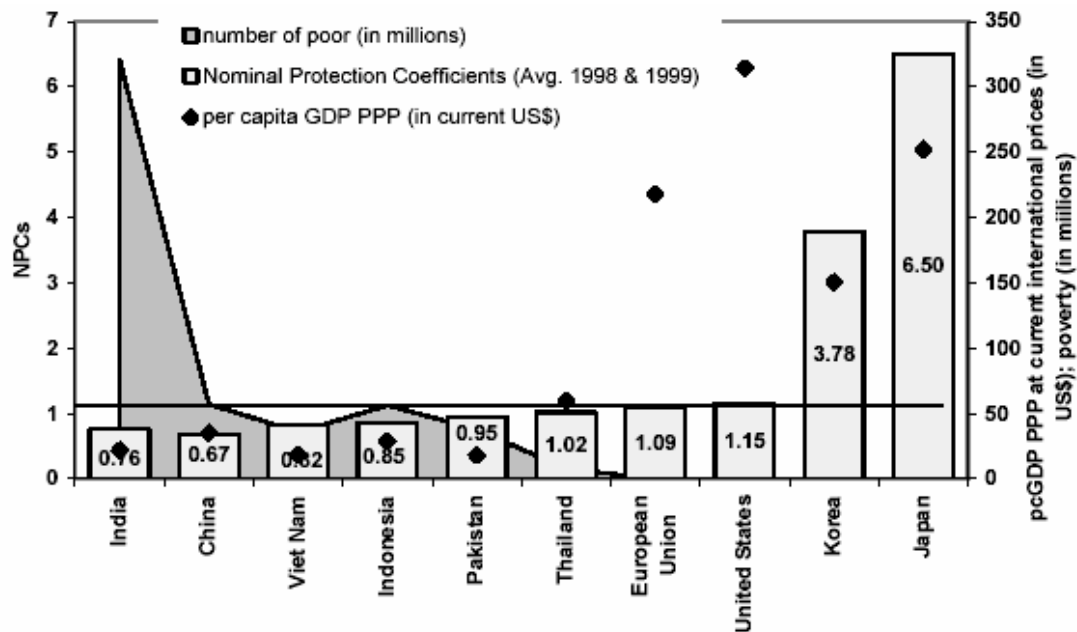
برای اینکه دریابیم که چه کسانی از آزادسازی تجارت برنج منتفع خواهند شد، در درجه اول لازم است که میزان قدرت رقابت (رقابت پذیری) کشورهای عمده درگیر تجارت برنج را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. یک روش برای انجام این کار استفاده از ضرایب حمایت اسمی (NPCs)<sup>۱</sup> است. این ضریب که یکی از شاخصهای نشان دهنده رقابت پذیری می باشد، اثرات سیاست‌هایی که موجب شکاف بین قیمت‌های داخلی و قیمت جهانی می گردند را مد نظر قرار می‌دهد. NPCs برای کشورهای منتخب در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ اختلاف و پراکنندگی زیادی را نشان می‌دهد، به طوری که در مورد ژاپن این ضریب بسیار بالا و در حدود ۶/۵ بوده است (شکل ۲). بازار کشور کره، ایالات متحده و اتحادیه اروپا نیز غیر رقابتی (رقابت ناپذیر) محسوب می‌شوند. ولی از طرف دیگر، کشورهای نظیر چین، هندوستان، ویتنام و پاکستان با NPCs کمتر از یک دارای قدرت رقابت پذیری می‌باشند.

شکل (۲): ضریب حمایت اسمی کشورهای مختلف (متوسط سال‌های

۱۹۹۸ و ۱۹۹۹)

---

<sup>۱</sup> - Nominal Protection Coefficients



دو کشور تایلند و اندونزی به توضیح بیشتری نیاز دارند. باید توجه داشت که ضریب حمایت اسمی در هر کشوری می‌تواند بطور چشمگیری تغییر یابد، مخصوص اینکه این ضریب نسبت به تغییرات قیمت‌های جهانی و نرخ‌های ارز حساس می‌باشد. با تضعیف ارزش پول رایج اندونزی که در سال‌های ۹۸-۱۹۹۷ اتفاق افتاد (با وجود این که اندونزی یک کشور واردکننده عمده است) این کشور رقابتی گردید. تایلند به میزان زیادی دارای قدرت رقابت می‌باشد، اما کاهش قیمت‌های جهانی به همراه افزایش نرخ تعهدات برای شلتوک در داخل موجب گردید که کشور تایلند در سال ۹۹-۱۹۹۸ غیر رقابتی به نظر آید.

آنچه NPCs در مورد سطح قیمت‌های داخلی نشان می‌دهد آن است که نسبت به سطح قیمت‌های جهانی، قیمت‌های داخلی کشورها از میزان بسیار زیاد در ژاپن، کره، ایالات متحده و اروپا تا مقدار بسیار کم در چین،

هندوستان، ویتنام و تایلند (که قیمت‌ها تقریباً برابر قیمت جهانی و حتی بعضی مواقع پایین‌تر نیز می‌باشد) نوسان دارد.

موضوع مهم دیگر ارتباط بین فقر و سطح قیمت‌ها می‌باشد. کاملاً واضح است کشورهای که بالاترین قیمت داخلی را دارند ثروتمندترین کشورها هستند، در صورتیکه کشورهای که در محصول برنج از قدرت رقابتی بالایی برخوردارند نه تنها درآمد سرانه پایین‌تری دارند بلکه دارای جمعیت فقیر بیشتری نیز هستند (شکل ۲). به عنوان مثال، حدود ۴۴ درصد از جمعیت فقیر ۱/۲ میلیارد نفری جهان در جنوب آسیای جنوبی و حدود ۲۴ درصد در آسیای شرقی زندگی می‌کنند، این در حالی است که درآمد سرانه کشورهایمانند ایالات متحده ۱۵ برابر درآمد سرانه آسیای جنوبی می‌باشد. این رابطه نشان می‌دهد که اصولاً کشورهای فقیر بر بخش کشاورزی خود (به منظور دسترسی سهل‌تر «مصرف‌کنندگان» به غذای ارزان) مالیات می‌بندند. ولی کشورهای ثروتمند (همانطور که در بخش قبلی توضیح داده شد) از کشاورزان خود حمایت می‌کنند.

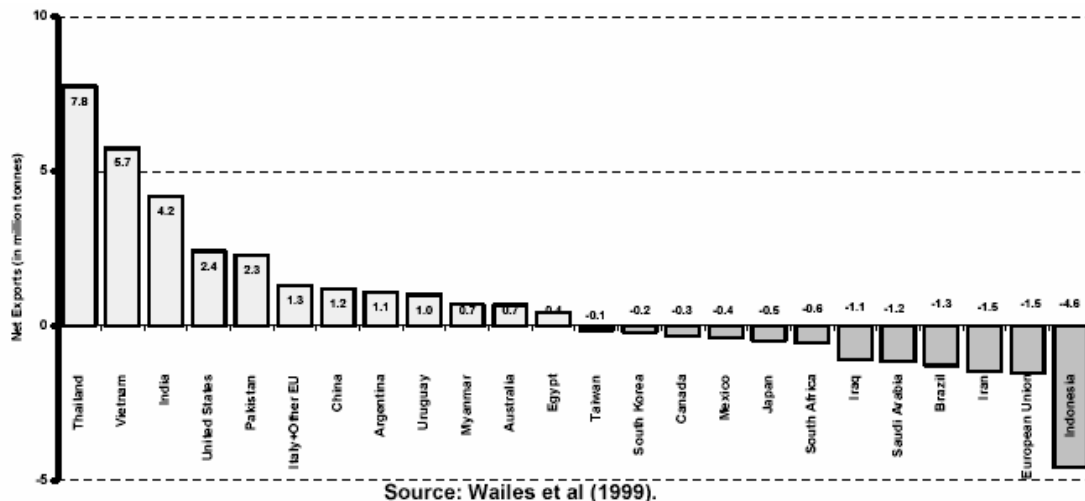
با توجه به وضعیت رقابت پذیری کشورهای مختلف، با اجرای آزادسازی برنج چه اتفاقی خواهد افتاد؟ در نظر اول، یک سناریوی تجارت کاملاً آزاد را در نظر می‌گیریم. در این حالت انتظار می‌رود برنج از کشورهای که قیمت کمتری دارند (یعنی قیمت برنج نسبت به قیمت جهانی حمایت نشده است) به سمت کشورهای که قیمت برنج در آنها بالاست و برنج با انواع حمایت‌ها همراه است جریان یابد.

لذا می‌توان گفت که در این سناریو محصول برنج از کشورهای فقیر که قیمت برنج در آنها پایین است به سمت کشورهای ثروتمند که قیمت برنج در آنها بالاتر است جریان پیدا خواهد کرد. بنابر این چنین انتظار می‌رود که کشورهای فقیرتری مانند ویتنام، تایلند و هندوستان کشورهای صادرکننده عمده خالص خواهند شد در صورتیکه کشورهای ثروتمند مانند ژاپن، کره و اروپا واردکنندگان خالص خواهند بود. اگر چه احتمالی رود بعضی کشورهای فقیرتر در آسیا مانند فیلیپین، اندونزی و مالزی واردکننده خالص و کشورهای ثروتمند نظیر ایالات متحده صادرکننده خالص بمانند.

بر اساس برآورد حاصل از مدل آرکانزاس، پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۰ صادرکنندگان خالص و عمده برنج از نوع دانه بلند و متوسط، کشورهای تایلند، ویتنام و هندوستان و در رتبه بعدی ایالات متحده و پاکستان خواهند بود (شکل ۳). همچنین چین نیز به عنوان صادرکننده خالص محسوب خواهد شد. در انتهای دیگر طیف کشورهای واردکننده عمده خالص، از جمله اندونزی به همراه کشورهای آسیای غربی و شرقی، آمریکای جنوبی و اتحادیه اروپا به اضافه کانادا و آفریقای جنوبی قرار دارند.

شکل (۳): صادرات خالص کشورهای مختلف در سال ۲۰۱۰

(مدل برنج آرکانزاس)



## تعامل بين آزادسازي تجارت برنج و فقر

حال بايد دید که آزادسازي تجارت و تغييرات قابل پیش‌بینی مستمر در جریان تجارت برنج چگونه بر فقر در کشورهای در حال توسعه تاثیر می‌گذارد؟ براي پاسخ دادن به این سؤال تشخیص و تجزیه و تحلیل ارتباط بین درآمد و جریان تجارت برنج ضروري و مهم است.

مهمترین و سریع‌ترین اثر مربوط به تغییرات سطح قیمت‌ها است. در يك کشور رقابتي، آزادسازي تجارت موجب افزایش صادرات و بالا رفتن قیمت‌های داخلی تا حد قیمت جهانی خواهد شد. از این محل فروشندگان خالص برنج منتفع شده و در مقابل خریداران خالص با قیمت‌های بالاتری روبرو خواهند شد. در يك کشوري که دارای قدرت رقابت نیست، واردات به سوي آن جریان یافته و در نتیجه قیمت‌های داخلی را به سمت قیمت‌های بین‌المللی (به

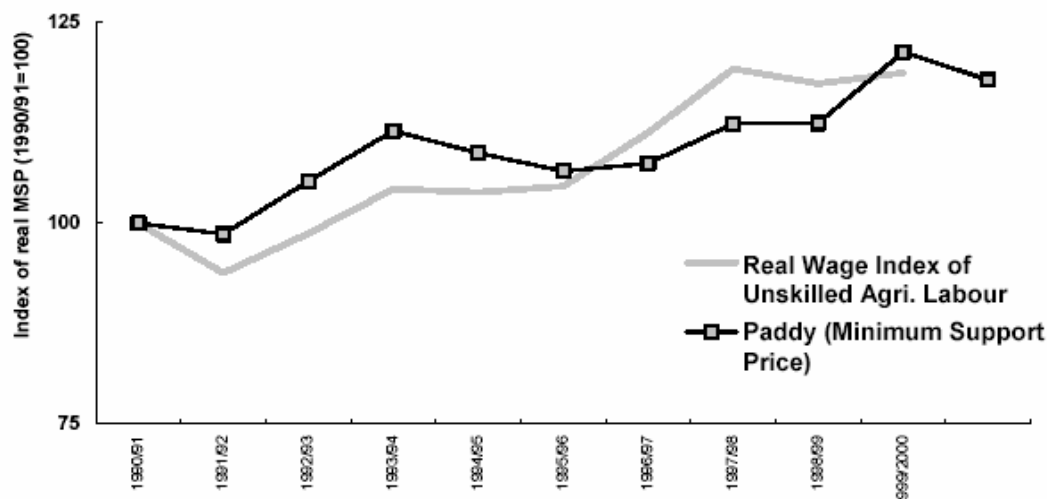
نفع مصرف کنندگان) کاهش خواهد داد. شایان ذکر است که برنده و بازنده در هر کشوری وجود خواهد داشت و پیش‌بینی منفعت خالص حاصل از اجرای این سیاست (سیاست آزادسازی) مشکل می‌باشد.

در هر حال، شواهد تجربی نشان می‌دهد که کشورهای دارای قدرت رقابت به میزان قابل توجهی از آزادسازی منتفع خواهند شد. مطالعات متعددی که انجام شده دلالت بر اثرات سودمند آزادسازی بر کاهش فقر دارد. به عنوان مثال، Deaton در سال ۱۹۸۹ عنوان نمود که افزایش قیمت برنج در تایلند موجب بهره مندی خانوارهای روستایی خواهد شد و اخیراً Minot and Goletti پیش‌بینی کرده‌اند که حذف سهمیه‌های صادراتی برنج در ویتنام بطور متوسط ۱۴ تا ۲۲ درصد موجب افزایش قیمت‌های داخلی شده و در نتیجه پیش‌بینی می‌گردد که هم از شیوع و هم از میزان فقر کاسته خواهد شد.

ممکن است ادعا شود که فقط فروشندگان خالص در کشورهای صادرکننده از این موضوع نفع خواهند برد ولی باید گفت در صورتیکه اثرات مهم دور دوم را در نظر بگیریم این موضوع واقعیت نخواهد داشت. زیرا آزاد سازی برنج علاوه بر اثرات مستقیمی که بر زارعین آن خواهد داشت، اثرات با وقفه‌ای نیز بر دستمزدهای کشاورزی و اشتغال می‌تواند داشته باشد. بدین معنی که افزایش قیمت برنج در کشورهای صادرکننده موجب ایجاد تخرک در تولید شده و در نتیجه تقاضا برای کارگر در بخش کشاورزی افزایش یافته و متعاقب آن دستمزدها و یا پاداش‌ها برای جذب نیروی کار بیشتر افزایش خواهد یافت.

بنابر این اگر چه افزایش قیمت برنج ممکن است در کوتاه مدت بر خریداران خالص غذا اثر عکس داشته باشد، ولی در مقابل کارگران کشاورزی و زارعین خرده‌پا در کشورهای صادرکننده که در آمد خود را از طریق دستمزدهای کشاورزی تامین می‌نمایند، از افزایش اشتغال و دستمزدها منتفع خواهند شد. این رابطه و پیوستگی بین قیمت برنج و دستمزد در کشور تایلند به اثبات رسیده است. نتایج حاصل از مطالعه‌ای که در خصوص مالیات بر صادرات برنج صورت گرفته است نشان می‌دهد که منافع مصرف‌کنندگان که از قیمت‌های پایین برنج ناشی خواهد شد (که به واسطه مالیات صادرات می‌باشد) توسط اثرات منفی درآمدی کاهش دستمزدهای نیروی کار غیر ماهر خنثی می‌گردد. با توجه به این که افراد فقیر در مناطق روستایی حدود ۴۰ درصد از درآمدشان را از شغل‌های غیر مهارتی کسب می‌نمایند، آزادسازی صادرات خریداران خالص را نیز منتفع خواهد کرد. یک چنین ارتباطی بین قیمت‌های برنج و دستمزد در بنگلادش و هندوستان نیز مشاهده شده است (شکل ۴).

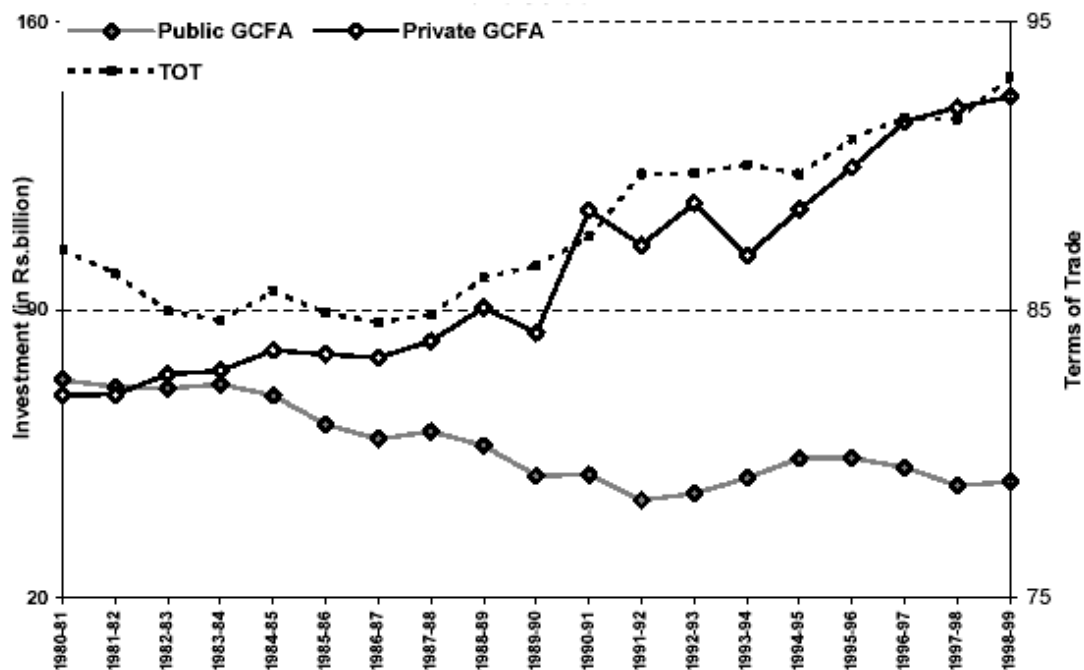
شکل (۴): دستمزد و قیمت‌های برنج در هند



اثر دیگری که تغییرات نسبی قیمت در دور دوم ایجاد می‌نماید، تاثیر آن بر میزان سرمایه‌گذاری است. هر چقدر قیمت‌ها در کشورهای دارای قدرت رقابت افزایش یابد، رابطه مبادله (شرایط تجارت) به نفع کشاورزی تغییر خواهد کرد. لذا سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تشویق شده و به نوبه خود اثر مثبتی بر رشد آن کشور خواهد داشت. این مورد در کشور هندوستان به واقعیت پیوسته است. به عنوان مثال، تغییر رابطه مبادله به نفع بخش کشاورزی موجب رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی گردید، به طوری که افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بیشتر از کاهش در سرمایه‌گذاری‌های دولتی بود و کاهش مزبور را جبران نمود (شکل ۵).

شکل (۵): رابطه مبادله و سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی در

کشور هند طی دوره ۱۹۸۰-۹۹



بعلاوه، در دراز مدت، يك ارتباط بسيار قوي بين بخش كشاورزي و غير كشاورزي اغلب كشورها ايجاد خواهد شد. در آسيا، يك دلار افزايش در درآمد كشاورزي موجب ايجاد ۸۰ سنت درآمد اضافي براي بنگاه هاي محلي ميگردد. اين رقم براي كشورهاي منتخب آفريقايي بيش از ۲ دلار برآورد شده است. قسمت عمده اثر تكاثري ابتدا از طريق تقاضاي مصرف خانوار و سپس توسط روابط توليد در اقتصادهاي كشاورزي و غير كشاورزي مناطق روستايي حاصل ميشود. بنابر اين آزادسازي تجارت برنج موجب افزايش توليد برنج در برخي كشورهاي صادركننده فقير شده و در نتيجه به ايجاد اقتصاد روستايي پوياتر كمك خواهد نمود. از آنجا كه ميزان فقر در مناطق روستايي (با سهمي حدود ۷۵ درصد) بيشتر است، در نتيجه اقتصاد پوياتر روستايي نقش مهم و اساسي در كاهش و احاي فقر خواهد داشت.

هرچند در قسمت بالا که در خصوص ارتباط بین آزادسازی برنج و تاثیر مثبت آن بر کاهش فقر بحث گردید مربوط به کشورهای صادرکننده بود، ولي کشورهای واردکننده نیز از این آزادسازی منتفع خواهند شد. از آنجا که تعداد کشورهای واردکننده برنج بیشتر از کشورهای صادرکننده است، بنا بر این تمییز کشورهای واردکننده ثروتمند و فقیر کار دشواری است. اما همان طور که قبلاً نیز اشاره گردید، کشورهای واردکننده ثروتمند مثل ژاپن و اتحادیه اروپا برای حمایت از تولیدکنندگان خود، معمولاً قیمت‌های داخلی خود را بالاتر از قیمت‌های جهانی نگه می‌دارند و در واقع مالیاتی را تلویحاً بر مصرف‌کنندگان تحمیل می‌کنند. در این حالت مصرف‌کنندگان خالص از آزادسازی واردات در این کشورها منتفع خواهند شد. در کشورهای فقیرتر، انجام واردات همیشه توأم با بی‌اعتمادی و سوء ظن بوده است. زیرا آنها واردات را نوعی تهدید برای امنیت غذایی و معیشت کشور خود می‌دانند. اگر چه در مقایسه با عقیده عمومی که معتقد است آزادسازی تجاری مغایر با ایجاد امنیت غذایی و کاهش و احیای فقر می‌باشد، ولي برخی تحقیقات نشان می‌دهند که آزادسازی تجاری در کشورهای واردکننده، از طریق افزایش عرضه داخلی و تثبیت قیمت‌ها، می‌تواند به تقویت امنیت غذایی کمک نماید. به عنوان نمونه، به دنبال برداشت اندک محصول در سال ۱۹۹۷ در کشور بنگلادش و متعاقب آن سرازیر شدن سیلاب‌ها در سال‌های بعد که موجب کاهش عرضه محصول گردید، شاخص‌های آزادسازی تجاری برنج هم در بنگلادش و

هم در کشور همسایه اش هندوستان، امکان واردات از هندوستان را توسط تجار خصوصی فراهم آورد که این امر تاثیر بسیار مهمی در ایجاد امنیت غذایی بنگلادش در کوتاه مدت داشت. نگرانی بحق مربوط به این مساله که «آزادسازی تجاری نمی‌تواند تکیه گاه مطمئنی در قبال امنیت غذایی بلند مدت يك کشور باشد» نباید صرفاً از طریق سیاست‌های تجاری مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد بلکه باید از طریق سیاست‌های فرامرزی همانند ملاحظات مربوط به شبکه‌های امنیت غذایی FAO، سیستم «Food Stamp» و برنامه‌های بین المللی غذا در برابر کار مورد ارزیابی قرار گیرد تا اینکه بهره وری و رشد اقتصادی روستایی را افزایش دهد.

### **انتقال از منافع بالقوه به بالفعل: موانع**

ادبیات موضوع به روشنی نشان می‌دهد که آزادسازی تجارت برنج می‌تواند به احیای فقر در کشورهای در حال توسعه کمک نماید. ولی علی‌رغم دست‌یازی به فرآیند تجارت آزاد از سال ۱۹۹۵، هنوز فضای تجارت برنج بسیار کنترل شده می‌باشد. لذا بایستی تغییر اساسی در سیاست‌ها و رویه‌های کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به وجود آید.

با وجود این که روند آزادسازی تجارت برنج کند بوده اما تغییراتی در حال رخ دادن هستند. در کشورهای صادرکننده از جمله هندوستان، ویتنام و تایلند تحریم‌ها، موانع و سهمیه‌هایی که موجب محدودیت صادرات می‌گردند در حال لغو شدن هستند. مهمترین مشکلات و مسایل فراروی

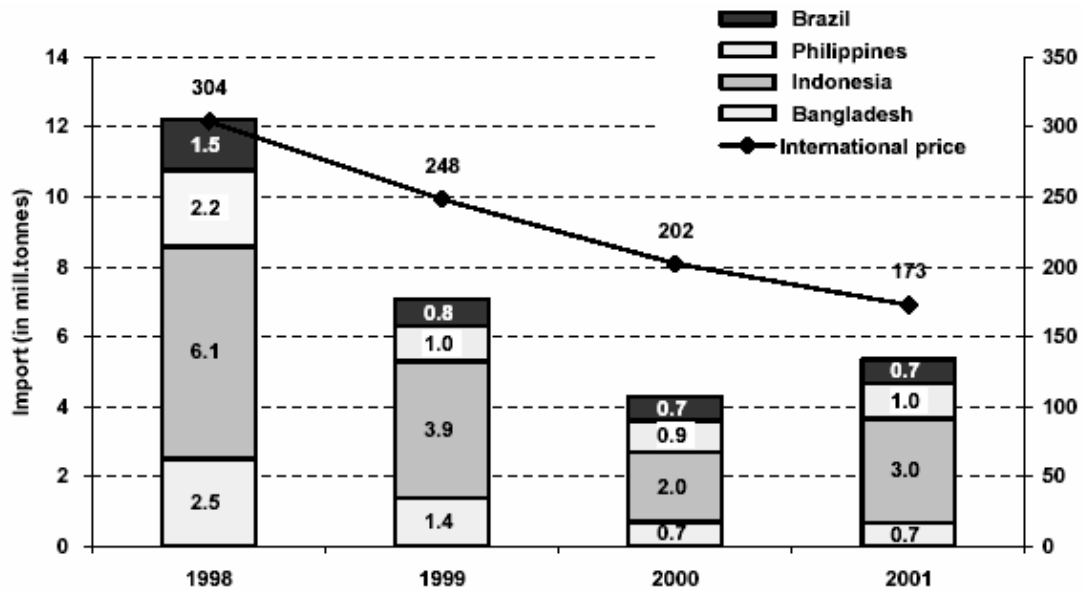
آزادسازی تدریجی در کشورهای صادرکننده، سیاست‌هایی است که کشورهای توسعه یافته در زمینه دسترسی به بازار، حمایت‌های داخلی، مساعدت‌های غذایی و غیره اتخاذ و اعمال می‌نمایند.

تجربه اواخر دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که همه کشورها در آزادسازی موفق نبوده‌اند. مشکل اصلی، از زمانی آغاز شد که قیمت برنج بطور چشمگیری در سال ۱۹۹۷ کاهش پیدا کرد. این روند تا سال ۱۹۹۹ ادامه یافته و قیمت جهانی برنج به پایین‌ترین سطح خود در ۲۰ سال گذشته رسید. این امر مسایل و مشکلاتی را برای کشورهای تولیدکننده (حتی برای تولیدکنندگان کارآمد نظیر تایلند، ویتنام و هندوستان) ایجاد کرد.

عوامل چندی موجب کاهش قیمت برنج گردید. یکی از این عوامل، سقوط مالی کشورهای آسیای شرقی (که در ژوئن سال ۱۹۹۷ بوجود آمد) بود که موجب تضعیف تقاضای این کشورها گردید و در نتیجه قیمت‌های جهانی برنج با فشار رو به پایین شدیدی مواجه شدند (شکل ۶).

شکل (۶): کاهش تقاضا در کشورهای صادرکننده عمده برنج

طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۰۱



عامل ديگر، بحراني بود كه كشورهاي آمريكاي لاتين را تحت تاثير قرار داد و موجب کاهش قيمت‌هاي جهاني كالاهاي كشاورزي، مصرف و تجارت آنها گرديد. در سال ۱۹۹۸، افت قيمتها با افزايش ناگهاني تجارت جهاني معكوس گرديد (در اين سال قيمتها افت کرده و تجارت جهاني به بالاترين سطح خود رسيد). اين امر ناشی از آسیب شديد محصول به دليل پديده «ال نينو»<sup>۱</sup> در كشورهاي جنوب آسياي شرقي و جنوبي و آمريكاي جنوبي بود. به عنوان مثال، ال نينو در اندونزي موجب شد كه اين كشور با حدود ۶ ميليون تن واردات (كه ۷ برابر رقم متناظر در سال ۱۹۹۶ بود) به يك كشور واردكننده خالص تبديل شود. در هر حال، تا سال ۱۹۹۹ روند كاهشي قيمت‌هاي جهاني به دليل بهبود توليد در كشورهاي واردكننده ادامه يافته و تشديد گرديد. بهبود توليد داخلي برنج

<sup>1</sup> - El Nino

به معنی کاهش واردات خالص و در نتیجه برگشت آن به سطح نرمال می‌باشد.

در طرف عرضه، این امر مصادف با برداشت بسیار خوب در کشورهای صادرکننده بود. بخصوص در سال ۱۹۹۸، چین به عنوان یک صادرکننده عمده با عرضه بیش از ۳/۵ میلیون تن به بازار جهانی برنج وارد شد. این مساله عمدتاً نتیجه سیاست Grain Bag Policy است که در سطح استانی به منظور تضمین خودکفایی اتخاذ و بنیان شد که در نتیجه موجب تقویت عرضه و ذخایر کشور مذکور گردید.

علاوه بر موارد فوق، عامل مهم دیگری که کاهش قیمت‌ها را تشدید می‌کند (ولی معمولاً جدی گرفته نمی‌شود) سیاست‌های داخلی کشورهای توسعه یافته می‌باشد. در این خصوص ایالات متحده، به عنوان یک کشور صادرکننده عمده، یکی از نمونه‌های بارز و مطرح است. ایالات متحده با استفاده از چندین ابزار و روش بخش برنج خود را مورد حمایت قرار می‌دهد. سه نوع پرداخت هسته سیاست داخلی برنج در این کشور را تشکیل می‌دهد. نوع اول، پرداخت مستقیمی است که تحت عنوان «قرارداد تولید تغییرپذیر»<sup>۱</sup> به کشاورزان طرف قرارداد پرداخت می‌گردد. مبلغی که تحت قرارداد مذکور در سال ۲۰۰۱ به زارعین برنج پرداخت شد، در مجموع ۴۱/۳۴ دلار به ازای هر تن بود. نوع دوم، برنامه‌ای است که زارعین را وقتی که قیمت‌ها پایین هستند مورد حمایت قرار می‌دهد. این پرداخت در قالب «وام مساعدت به بازاریابی»<sup>۲</sup> و یا

---

<sup>۱</sup> - Production Flexibility Contract (PFC)

<sup>۲</sup> - Marketing Assistance Loan

«وام عدم کارایی برنامه»<sup>۱</sup> صورت می‌گیرد. میزان پرداختی که تحت این برنامه صورت می‌گیرد به اختلاف بین قیمت‌های جهانی اعلام شده و متوسط نرخ وام ملی که برای محصول برنج پرداخت می‌شود بستگی دارد. وقتی که قیمت‌های جهانی پایین تر از متوسط نرخ وام پرداختی قرار گیرد، «منافع وام بازاریابی»<sup>۲</sup> نامیده می‌شود. در سال ۲۰۰۱ میزان این نوع پرداختی ۶۸/۹ دلار به ازای هر تن بوده است. پرداخت نوع سوم، از سال ۱۹۹۷ به دنبال کاهش واقعی قیمت‌های جهانی توسط کنگره به منظور کمک به کشاورزان (وقتی که قیمت‌ها در طول دوره بازار پایین است)، تصویب و اعمال گردید. این پرداخت‌ها برای ۴ سال متوالی ادامه داشته است. این پرداخت‌ها، بعلاوة آنهایی که واجد شرایط پرداخت PFC بودند، در حدود ۴۷/۰۵ دلار برای هر تن بوده است. این سیستم پرداخت‌های حمایتی بطور تلوچی نشان می‌دهد که یک زارع برنجکار در ایالات متحده ۱۵۷/۲۸ دلار به ازای هر تن طی سال ۲۰۰۱ از دولت کمک دریافت نموده است که بسیار بیشتر از تفاوت بالاترین قیمت داخلی ایالات متحده و پایین ترین قیمت جهانی می‌باشد ( شکل ۷ ).

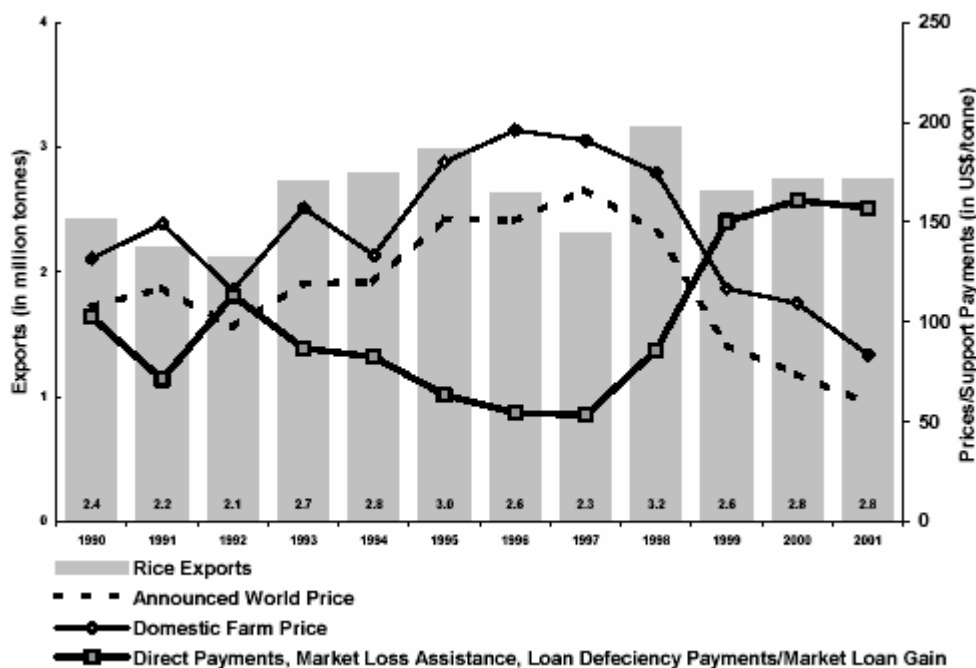
شکل (۷): قیمت جهانی، حجم صادرات و سیاست های حمایتی

ایالات متحده طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۰

---

<sup>۱</sup> - Loan Deficiency Programme (LDP)

<sup>۲</sup> - Marketing Loan Gains (MLG)



در هر حال، پرداخت‌های مستقیم بویژه «پرداخت‌های جبران زیان بازار»<sup>1</sup>، کشاورزان ایالات متحده را قادر می‌سازد تا سطح تولید و صادرات خود را حتی در زمان کاهش قیمت‌ها ثابت نگه دارند و این پرداخت‌ها کشاورزان ایالات متحده را بطور تصنعی رقابت پذیر می‌سازد. چنانچه این پرداخت‌ها به مدت ۴ سال متوالی پرداخت شده باشند، کشاورزان ایالات متحده بیش از آنکه به شرایط بازار واکنش نشان دهند به منافع مورد انتظار پرداخت‌های آتی عکس العمل نشان می‌دهند. در نتیجه، سیاست‌های داخلی ایالات متحده در خصوص برنج، اثر انحرافی بر شوک قیمت‌های پایین در بازارهای جهانی دارد.

بنا بر این، با وجود اینکه ایالات متحده در حفظ سطح صادرات خود موفق بوده است، ولی بار سوق قیمت جهانی به سمت پایین بر دوش کشورهای رقابتی تر نظیر

<sup>1</sup> - Market Loss Assistance Payments

تایلند، ویتنام و هند افتاده است. این کشورها ناچارند با تقاضای پایین، رقابت پذیری کند شده توسط قیمت‌های فوق‌العاده پایین و ذخایر انبوه مواد غذایی در مقابله باشند. در حقیقت، در کشورهای تایلند، ویتنام و هند قیمت‌های حمایتی داخلی بطور قابل توجهی بیشتر از قیمت‌های جهانی است.

در کشور تایلند، تا فوریه سال ۲۰۰۲، تحت برنامه Paddy-pledging میزان ذخایر برنج بالغ بر ۴/۲ میلیون تن بوده است. همین طور در هندوستان، در سال ۲۰۰۲ ذخایر برنج به بیش از ۲۵ میلیون تن رسیده بود. این امر موجب شد که بسیاری از این کشورها به شاخص‌های رقابت صادرات متوسل شوند. بدین ترتیب ویتنام با کمبود تقاضا مواجه شده و برنج خود را با زیان ۱۰ تا ۳۵ دلار به ازای هر تن صادر نمود و در عین حال اقدام به ارائه اعتبارات یارانه ای به صادرکنندگان در ازای خرید یک میلیون تن برنج با حداقل قیمت نمود. همین طور کشور تایلند اعتبارات صادراتی صادرکنندگان در ازای یارانه ای به ارزش ۴۸۷ میلیون دلار تحت حمایت صادرات بویژه برای برنج پرداخت کرد. هندوستان نیز اقدام به صدور برنج از ذخایر عمومی توام با زیان نموده است.

شرایط حاضر به روشنی نشان می‌دهد که آزادسازی تجارت برنج به شرطی می‌تواند کاهش و احیای فقر در کشورهای در حال توسعه را به دنبال داشته باشد که سیاست‌های انحرافی کشاورزی بویژه در کشورهای نظیر ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن به شکل کارآمدش تغییر یابد. در یک بازار جهانی یکپارچه، رقابت پذیری هر کشور به یک

سري عوامل - نظير نرخ ارز، تغييرات قيمت داخلي و از همه مهمتر سياست‌هاي داخلي ساير کشورها - بستگي دارد. بنا بر اين نکته حائز اهميت اين است که کشورهاي در حال توسعه در مذاکرات تجاري چندجانبه مشارکت فعال داشته و در جهت تغيير و اصلاح سياست‌هاي داخلي کشاورزي کشورهاي پيشرفته فعاليت نمايند. انتظار مي‌رود با جريان آزادسازي، سهم بيشتري از برنج توليد شده مورد تجارت قرار گيرد. اين در حالي است که همگرائي کامل توليدکنندگان بزرگي چون چين و هندوستان نيز موجب تثبيت بيشتري بازار جهاني خواهد شد.

براي اين که آزادسازي برنج بتواند به عنوان ابزاري براي احياي فقر در کشورهاي در حال توسعه عمل نمايد چند شرط احتياطي را بايد در نظر داشت.

مهمترين آنها، اصلاحات پشت مرزي در کشورهاي در حال توسعه است که نقش مهمي را بازي مي‌کند. در صورتي آزادسازي تجارت برنج بخشي از استراتژي کاهش فقر خواهد بود که اصلاحات اساسي در سياست‌هاي داخلي کشورهاي فقير به منظور کاهش هزينه‌هاي داد و ستد کشاورزان، تضمين دسترسي به نهادهاي مديریت ريسک و شبکه‌هاي امنيتي و بهبود دسترسي به مواد غذايي صورت گرفته باشد. در بلند مدت، آزادسازي تجارت برنج ممکن است موجب افزايش بهره وري کشاورزي و رشد اقتصاد روستايي شده و در نتيجه موجب ايجاد تغييراتي در جهت کاهش فقر گردد.

موضوع پر اهميت ديگر هزينه‌هاي شرايط محيطي مرتبط با تجارت برنج است. معمولاً اعتقاد بر اين است که صادرات برنج به منزله صادرات منبع کيميايي نظير آب است. پيش

از این، عمل تک کشتی متراکم برنج مسایلی از جمله اشباع شدن، افزایش شوری، تخلیه مواد غذایی خاک و غیره را به وجود آورده است که اینها به نوبه خود موجب کاهش عملکرد محصول شده است. منافع حاصل از آزادسازی تجارت برنج در کشورهای در حال توسعه فقیر می‌تواند افزایش یابد ولی به قیمت فرسایش منابع طبیعی.

به همین ترتیب، تغییرات جریان تجارت برنج را بدون در نظر گرفتن اتفاقاتی که در بازار سایر محصولات رخ می‌دهد، نمی‌توان پیش‌بینی نمود. آزادسازی همزمان سرتاسری، که احتمال وقوع آن زیاد است، می‌تواند چشم انداز تجارت برنج را به میزان قابل توجهی تغییر دهد<sup>۱</sup>. نکته

---

<sup>۱</sup> - مدل IMPACT2020 متعلق به IFPRI، که ۱۶ کالا را در نظر گرفته است، سناریو کاملاً متفاوتی را در مقایسه با مدل جهانی برنج آرکانزاس پیش‌بینی می‌کند. مدل اول نشان داده است که کشورهای جنوب شرقی و شرق آسیا (با ۱۳/۵ میلیون تن) و ایالات متحده (با ۲/۵ میلیون تن) صادرکننده عمده و خالص برنج، کشورهای صحرای آفریقا (با ۵/۸ میلیون تن) و آسیای غربی و آفریقای شمالی (با ۵/۱ میلیون تن) واردکننده عمده خالص خواهند بود. نکته جالب این است که پیش‌بینی شده است که آسیای جنوبی (با ۷/۷ میلیون تن) به همراه آمریکای لاتین، اتحادیه اروپا و شوروی سابق واردکننده خالص خواهند بود. همچنین هند که طبق مدل آرکانزاس تا سال ۲۰۱۰ صادرکننده عمده خالص خواهد بود، با ۰/۳ میلیون تن به عنوان واردکننده خالص تا سال ۲۰۲۰ ظاهر خواهد شد.

مهم در این زمینه روند تغییرات در کشورهای نظیر ویتنام است که اخیراً سیاست‌هایش را به سمت تحدید سطح زیر کشت برنج به نفع ذرت (حدود ۰/۳ میلیون هکتار) تغییر داده است. چنین تغییرات سیاستی در سناریو بزرگتر نیز بایستی اعمال گردد. اصلاحات پشت مرزی بطور قابل توجهی در این زمینه مهمتر از این دو موضوع است. پایداری محیط زیست در سیستم کشت برنج نیاز به اصلاحات اساسی در سیاست‌های قیمت‌گذاری نهاده ها و نیز سیاست‌های تکمیلی مربوط به محیط زیست دارد. موضوع مهم دیگر این است که دخالت دولت در بازارهای داخلی باید تضمین نماید که این اصلاحات، مشوق و محرک‌های حفاظتی برای برخی محصولات در مقابل محصولات دیگر را (به خاطر کارایی تخصیصی) ایجاد نخواهد کرد.

منابع و ماخذ:

1-Ashok Gulati,Sudha Narayanan,rice trade liberalization and  
poverty,Economic and political Weekly ,December 28, 2002

2-FAO,2004